

# قالی ایران ایشنايم

قالیگرهای سرودنه ایران

(۱)

بهن - خانمحمد آذری

کرد و از شیوه و مصالحی که در بافت قالی به کار رفته محل بافت آن را معین نمود. یادآور میشویم که امروزه نباید از نقش ارتباطات در همه موارد غافل بود، سهولت طی مسافتات دور و مهاجرت مردم از نقطه‌ای به نقطه دیگر به این هنر نیز امکان پویائی میدهد، لیکن وقتی استاد تبریزی در کرمان قالی میبافد اگر نقشه و مصالح هم کرمانی باشد، بافت، کار دست استاد تبریزی است و منکر این امر نمی‌توان شد.

بنابراین برای معرفی قالی ایران، آشنائی منطقه به منطقه آن معقول‌ترین طریقه است. خوانندگان گرامی ما در شماره‌های گذشته و در این سلسله مقالات با قالی چند منطقه آشنا شدند و در این شماره کوشش ما بر این است که شما را با قالی کرمان آشنا کنیم.

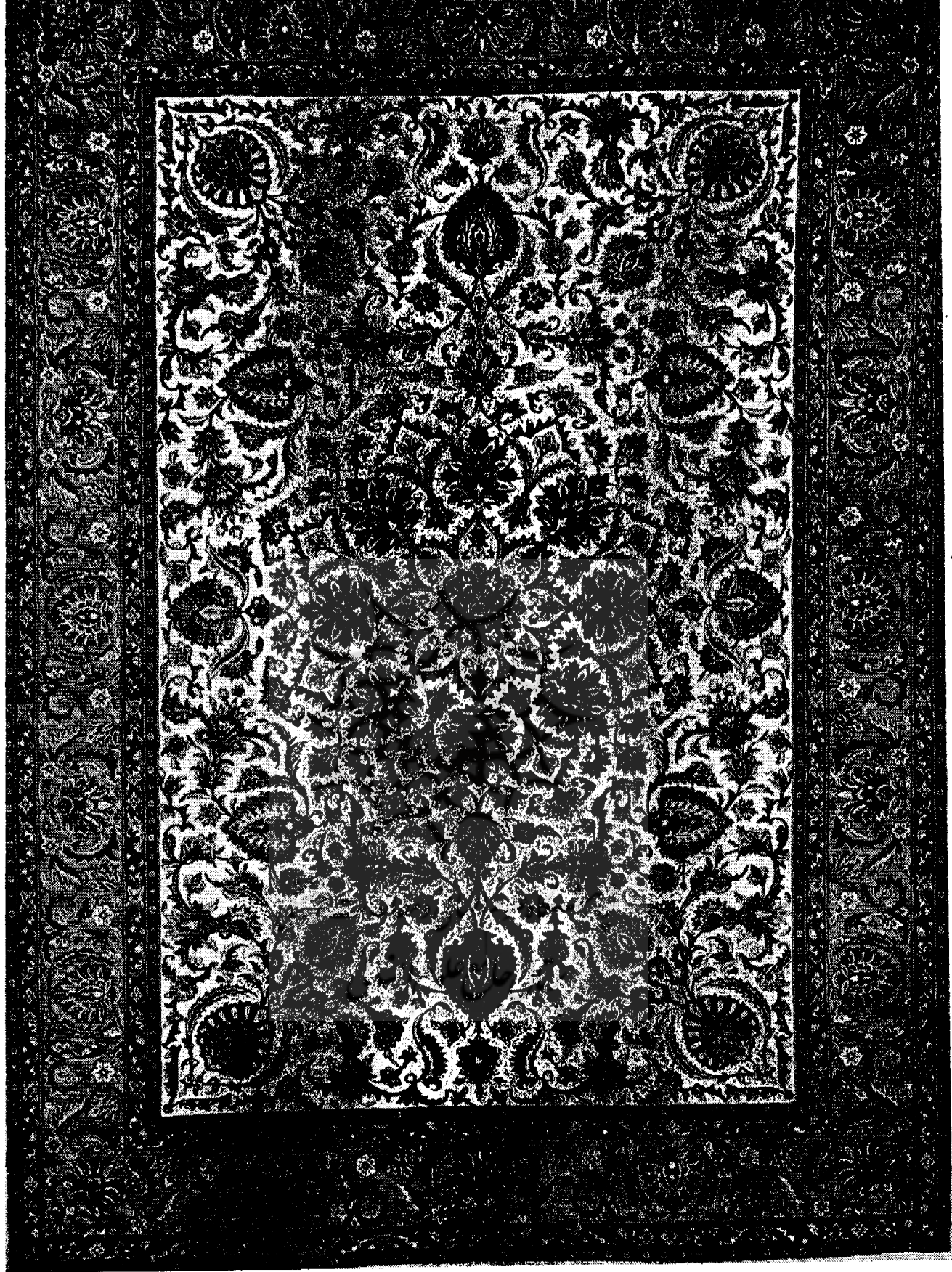
\*\*\*

با اتکا به آنچه که گفتیم برای شناسائی قالی کرمان باید ابتدا در موقعیت تاریخی، جغرافیائی و اجتماعی این منطقه نظری گذرا بیفکنیم:

جلوه‌های متفاوت هنر قالی‌بافی ایران به وجود می‌آورد و به قلی‌های ایران‌باهر نقش و نگار و در هر شیوه‌ای که خلاق شده‌اند، هویت می‌بخشد. اما ویژگی‌هایی را در فرآورده‌های مناطق گوناگون باید در نظر داشت، همین ویژگی‌هاست که دست‌خبرها و آشنایان به فن قالیبافی را در شناخت محصول این هنر باز گذاشته است و همین خصوصیات به اصطلاح شناسنامه قالی است که در رج آن و خط خط نقشه‌اش منعکس می‌گردد. واضح است که جامعه‌شناسی قالی‌بافی در آشنائی با شناسنامه آن نقش بسیار مؤثر دارد. نتیجه کلام این که شرایط اقلیمی و نیز بنیادهای فرهنگی و قومی هر منطقه در تمامی هنرهای آن از جمله هنر قالی‌بافی تأثیر بسزائی دارد و آثار آن را به وضوح در آفریده‌های دست مردم مناطق مختلف می‌توان دید و از یکدیگر جدا کرد. مثلاً در هر خط‌فرشی که در فلان منطقه کوهستانی بردارقالی و در لابلای تاروپود آن جان گرفته است صلابت و خشونت کوهستان را آشکارا می‌توان دید و بالعکس لطف را در آن دیگری که در شهر گلها بافته شده است لمس

از دیرباز در فراسوی مرزهای کشورمان، هرگاه سخن از هنر ایرانی به میان آمده است، نام قالی ایران بر لبها نقش بسته است. در بسیاری از اقلیم‌های دور و نزدیک، طی قرن‌های متمادی، قالی‌های ظریف با نقش‌های ساحرانه، شناسنامه ایران بود. این بدان معنی نیست که دیگر هنرهای ما مانند معماری، خطاطی و کاشی‌سازی، شال‌بافی و... و.. از ارزش جهانی برخوردار نیست و در محافل هنری دنیا مقامی ندارد. لیکن بدان سبب که قالی ایران از قدیم جنبه اقتصادی داشته و توسط تجار ایرانی و خارجی به بازارهای دنیا عرضه شده است، شناسائی مردمی که قالی ایران را از نزدیک دیده و از آن به عنوان تزیین منازل و کاخ‌های خود استفاده کرده‌اند، بالطبع نسبت به سایر هنرها بیشتر و ملموس‌تر است.

قالی ایران، چون فراخنای این سرزمین پر از تنوع و تمایز است، اما در ساختمان بافته‌های مراکز قالی‌بافی ایران با تمام بعد مسافت، وجوه مشترکی از نظر مصالح و فن وجود دارد. این وجه مشترك، پیوندی نهانی و نامرئی بین



شاه عباسی ترنجدار

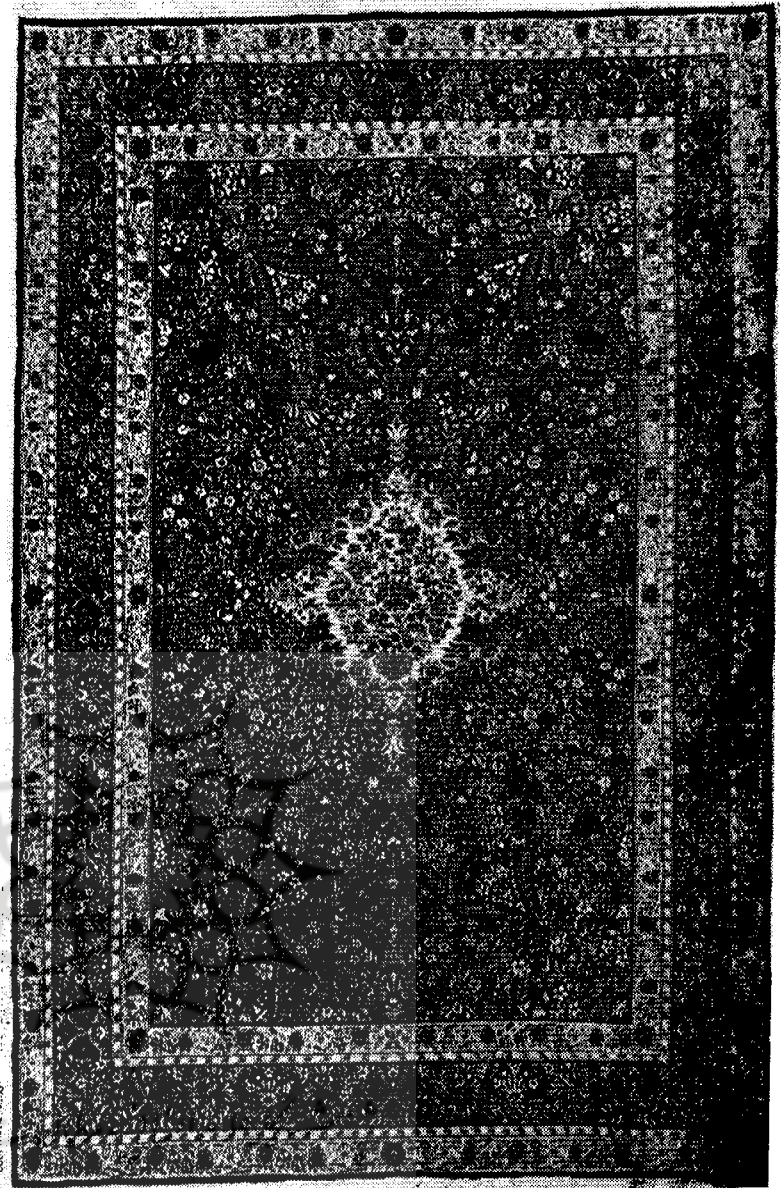
مغول، استیلای افغانه، کشتار آغامحمدخان و ... و ... گذشته خونینی برای این استان باقی گذارده است. تغییرات تاریخی و اجتماعی متعدد، مردم کرمان را عموماً زحمتکش و به‌خصوص صنعتگر بارآورده است.

### سابقه تاریخی قالی کرمان

تعیین تاریخ دقیق برای آغاز این هنر در کرمان کاری بس مشکل و به‌جهاتی ناممکن مینماید، چه قالی‌بافی در کرمان ابتدا بساکن نبوده و پیش از آن شال‌بافی در این منطقه رواج داشته و کم‌کم جای خود را به‌قالی‌بافی داده است. نظرات گوناگونی در زمینه سابقه تاریخی این هنر وجود دارد. مراجعه به سیاحتنامه‌ها، تواریخ هنری و حدسیاتی که از این طریق حاصل میشود، احتمالات بیشماری به‌دست میدهد که ذیلاً به‌مواردی از آن اشاره می‌کنیم:

شاردن جهانگرد معروف فرانسوی که در قرن ۱۷ میلادی در ایران بوده‌است، در سیاحتنامه خود درباره قالی کرمان مینویسد: «کارگاه‌های عالی فرش‌بافی در ایالت کرمان است، قالی‌های محصول این کارخانه‌های ایرانی را معمولاً در اروپا ما (فرش ترکی) می‌خوانیم، چون قبل از افتتاح طرق تجارتی از راه اقیانوس (خلیج فارس) محصولات ایران از طریق ترکیه به اروپا صادر میگشت. تشخیص نفاست و تقویم قیمت قالی مابین ایرانیان چنین است. بمقدار يك شست از حاشیه فرش را در نظر میگیرند\*، آنگاه تاروپود این اندازه را شمارش می‌کنند، چون بر حسب کثرت تارها قیمت افزایش مییابد. حداکثر رشته‌هایی که در يك شست ممکن است وجود داشته باشد چهارده یا پانزده میباشد.»<sup>۱</sup>

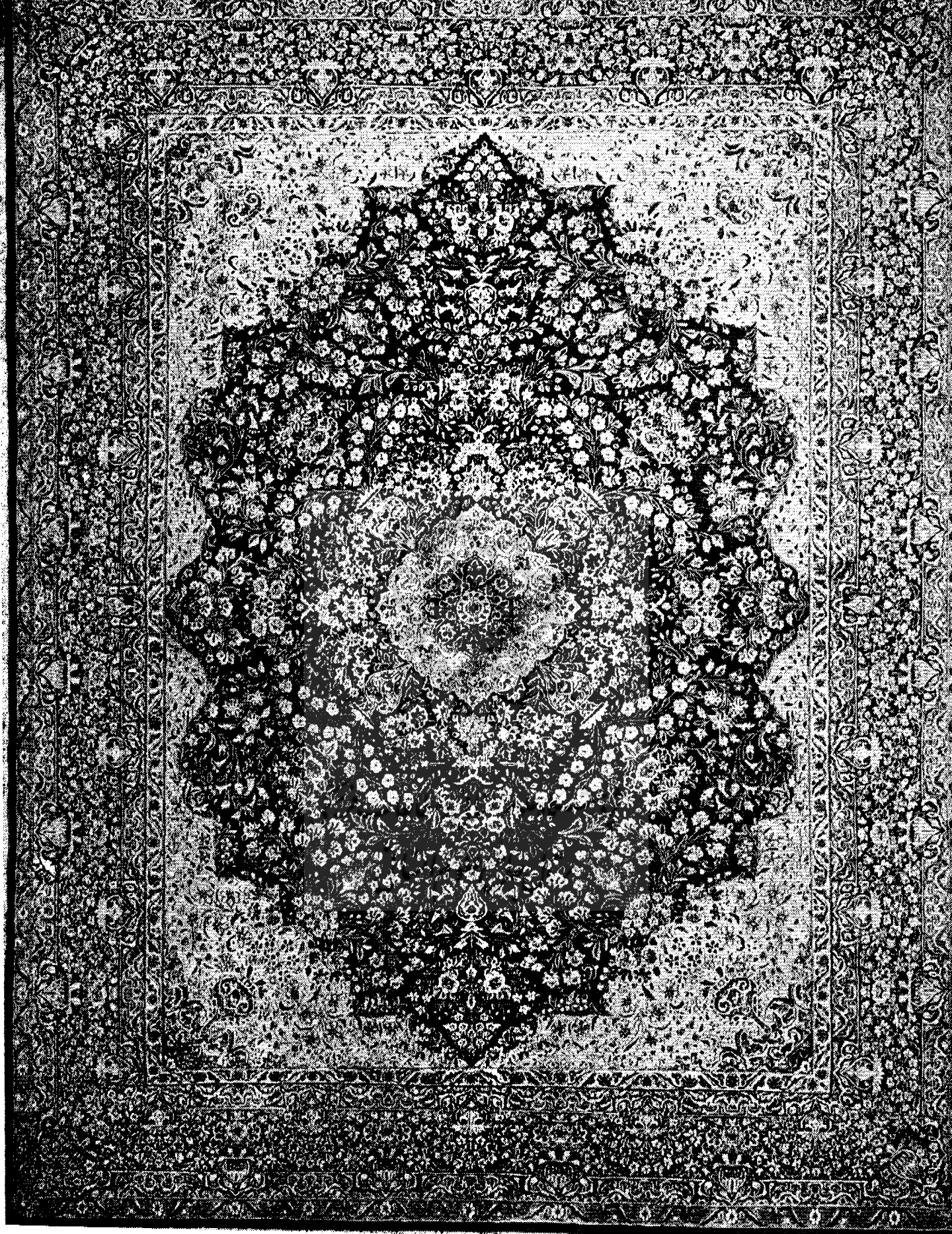
\* يك شست، بنظر میرسد که واحد بافت قالی بوده باشد که رج درگرمه، امروزه به‌جای آن است. در صفحات بعد راجع به این موضوع صحبت خواهد شد.



درختی سزیکار

از این نظر هرچه در کرمان می‌روید در نوع خود بهترین است. آثار تاریخی متعددی که دارد از وجود هنرمندان مجرب در این دیار حکایت می‌کند. تاریخ کرمان گویای مصیبت‌هایی است که این قسمت از کشورمان در گذشت سالها به‌خود دیده است. حمله

کرمان در کنار کویر و در ارتفاع ۱۷۵۰ متری از سطح دریا قرار دارد و با استان‌های فارس، خراسان، سیستان و بلوچستان و ساحلی همجوار است. بارندگی در آن کم است و به‌همین علت آب فراوان ندارد. آب و هوای خوب و سالمی دارد،



گل فرنگ لچک ترنج

مارکوپولو که در سال ۱۲۷۰ میلادی از ایران دیدار کرده است در یادداشت‌های خود مینویسد: «زنان کرمانی زیباترین شالها و فرش‌ها را میبافند»<sup>۴</sup>.

گروهی از هنرشناسان اروپائی و آمریکائی تحقیقات پر دامنه‌ای درباره قالی ایران انجام داده‌اند که براساس آن زمان بافت نخستین فرشها در کرمان به قرن ۱۷ میلادی میرسد. «بان بنت» یکی از محققین در تحقیقات خود مینویسد: «اکبر بزرگ در دوران سلطنت خود دو فرش کرمان به هندوستان برد». این تنها مواردی است که در ادوار قبل از قرن نوزدهم میتوان به آن اشاره کرد، چه هیچ سند و مدرکی دال بر این موضوع وجود ندارد. البته نباید فراموش کرد که در این فاصله زمانی شالبافی در کرمان رونق بیشتری داشته است. در آخرین سال‌های قرن گذشته نظر بازرگانان تبریزی به سوی فرش کرمان معطوف شد. آنان قالی مورد نظر خود را به بافندگان کرمانی سفارش می‌دادند و قطعات بافته شده را به بازار عرضه می‌کردند.

اسکندر بیگ منشی در «تاریخ عالم آرای عباسی» از قالی کرمان یاد می‌کند. «قالی کرمان از همان هنگام به خوبی شهرت داشته و به ویژه در زمان «اکبر»\* به هندوستان صادر میشده، پس از پایان کار صفویان، در دوران فتنه و آشوبی که همراه سال‌های کوتاه آرامش تا استقرار پادشاهی قاجاریان دوام یافت، صنعت و بازرگانی قالی در کرمان از رونق افتاد، گرچه همچنان برای بازار داخلی فعالیت محدودی داشت.»<sup>۴</sup>

با توجه به اسناد و مدارک موجود قالی کرمان همواره مرغوبیت خود را حفظ کرده است، لیکن چنین برمی‌آید، در قرن نوزدهم و به خصوص در نیمه دوم این قرن که استفاده از شال به اصطلاح مد روز بوده شالبافی نیز در کرمان سایر صنایع از جمله صنعت فرش بافی را تحت الشعاع خود داشت و در نتیجه میزان تولید فرش چندان زیاد نبود، بطوری که در سال ۱۸۷۱

میلادی تنها شش کارگاه کوچک قالی بافی مشغول فعالیت بوده‌اند.

در اواخر قرن نوزدهم قالی بافی در کرمان رونقی خاص گرفت. شواهد و قرائن نشان میدهند که در سال ۱۹۰۰ در خود شهر کرمان هزار دستگاه و در منطقه راور<sup>۵</sup> در حدود صد دستگاه دار قالی زیر دست استادان این فن در کار بود، نباید فراموش کرد که این ماجرا مقارن سال‌هایی بود که دیگر شال آن قرب و منزلت قبلی را نداشت و از مد افتاده بود و در نتیجه شال کرمان هم خریداری نداشت و شالبافان به اجبار به قالی بافی روی آورده بودند.

در امر توسعه صنعت قالی بافی در کرمان نقش بازرگانان تبریزی راهمواره باید در نظر داشت، چه آنان در ابتدای رواج صنعت قالی در منطقه کرمان، کار خرید و فروش و صدور آن را به اروپا در دست داشتند. در اوایل کار فرش‌های کرمان توسط این افراد خریداری و از طریق تبریز و سپس ترکیه به اروپا صادر میشد، ولی در اثر افزایش مشتری، چون کارگاه‌های موجود در کرمان کفاف تقاضا را نمیکرد، لذا بازرگانان تبریزی شخصاً اقدام به تأسیس کارگاه کردند. در این جریان اعمال سلیقه و تغییراتی در رنگ و نقشه قالی هم صورت گرفت. صدور قالی‌های نفیس کرمان به اروپا و آمریکا کم‌کم پای بازرگانان این دو قاره را به کرمان باز کرد، بطوری که نخستین شرکت‌های خارجی در کرمان تأسیس یافت و آمریکائیان و به میزان کمتری انگلیسیها اقدام به تولید و تجارت قالی در کرمان کردند. در عرض چهارده سال یعنی از ۱۲۷۸ الی ۱۲۹۲ هجری شمسی تعداد دستگاه قالی بافی از ۱۱۰۰ دستگاه به ۳۵۰۰ دستگاه افزایش یافت، لیکن آغاز جنگ جهانی اول در ۱۹۱۴ به سبب اینکه بازار خارجی را بار کودمواجه کرد، این صنعت را از رونق انداخت. با پایان جنگ مجدداً تقاضای قالی کرمان روبه‌فرونی نهاد، البته شکست آلمان به مقدار قابل توجهی از فعالیت بازرگانان تبریزی

که اروپای مرکزی را مرکز داد و ستد خود کرده بودند کاست. شواهد، گویای این حقیقت است که اوج مرغوبیت و توسعه تولید قالی کرمان، به سال‌های ۱۳۰۱ الی ۱۳۰۸ برمیگردد. در این زمان در سراسر کرمان ۵۰۰۰ دستگاه قالی بافی وجود داشته است. بحران اقتصادی آمریکا، کرمان و صنعت قالی بافی آن را نیز از لطامت خود بی‌بهره نگذاشت، بطوری که شرکت‌های آمریکائی کارگاهها و انبارهای خود را برچیدند و دست از این صنعت شستند. به این ترتیب بازرگانان داخلی خود پای به میدان گذاردند و آغاز به سرمایه‌گذاری کردند.

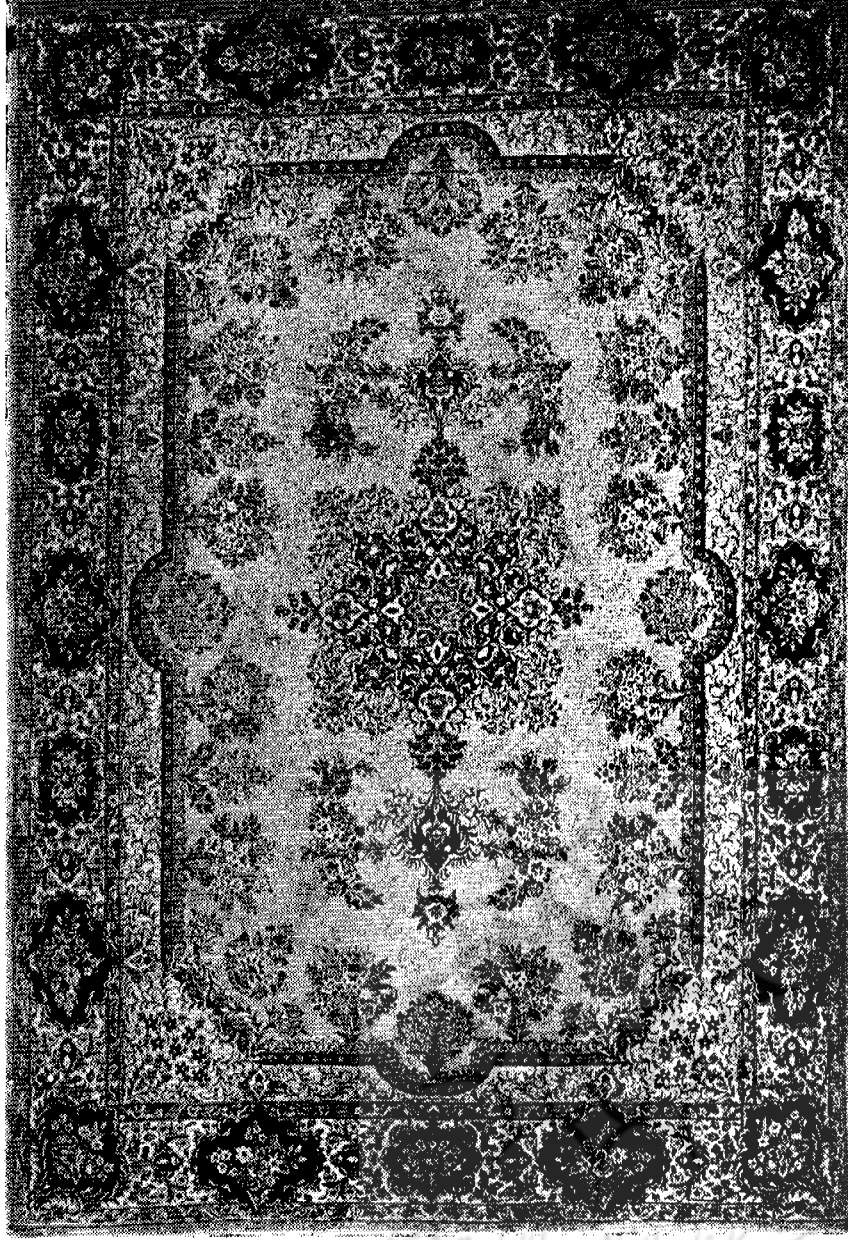
آغاز جنگ دوم جهانی تأثیری در کار صنعت قالی کرمان نداشت، چه ورود متفقین به ایران باعث شد که گروهی پولهای بادآورده‌ای را نصاحب کنند و به کار خرید قالی تزئینی بپردازند.

در حال حاضر ظرفیت‌های و زیباترین قالی ایران و جهان در کرمان بافته میشود، البته این بنظر گروهی نوعی اغراق به‌شمار می‌آید، چه آنان فرش‌های بافت عمو اوغلی در مشهد و فرش‌های اعلای کاشان و تبریز را ملاک عمل قرار میدهند و ادعای منحصر به فرد بودن قالی کرمان را رد می‌کنند، ولی بسیاری هنوز خبرگانی که به کرمان به عنوان مرکز آفرینش نفیستین فرشها مینگرند.

### ویژگیهای فرش کرمان

همانگونه که گفتیم قالی‌های بافت نقاط مختلف از ویژگیهای گوناگون برخوردارند، بالطبع قالی کرمان نیز خصوصیتی برای خود دارد که ذیلاً به آنها اشاره میشود:

پشم یا خامه برای بافت فرش کرمان اصولاً نرم و نتابیده تدارک میشود، خامه نتابیده، خامه‌ای است که پس از چیده شدن از پشت گوسفند و گذراندن مراحل رنگرزی بدون اینکه آن را بتابند و به صورت رشته



اقتباسی گوبلن یا کومه‌ای

در آورند ، مورد استفاده قرار میگیرد .  
حسن خامه نتابیده در این است که نرم و  
ظریف است و بافته شده آن خوش‌نماست.  
در صنعت قالی‌بافی کرمان معمولاً دو نوع  
پشم بکار میرود :

۱- پشم را مستقیماً از پشت گوسفند  
می‌چینند و مورد استفاده قرار میدهند .  
این نوع پشم را پشم زنده میگویند. پشم  
زنده معمولاً دو گونه است: بهار و پاییزه .  
الف - پشم بهاره - این نوع پشم را  
در نیمه بهار از پشت گوسفند می‌چینند ،  
به سبب لطافت هوا و تازگی علوفه ، پشم  
بهاره ، نرم‌ترین و محکم‌ترین و براق‌ترین  
نوع پشم است و قالی‌های بافته شده با این  
پشم ظریفترین و مرغوبترین قالی است .  
ب - پشم پاییزه - در آغاز پاییز از  
پشت گوسفند چیده میشود و نسبت به پشم  
بهاره زبرتر و زمخت‌تر است ، در نتیجه  
انعطاف کمی دارد .

۲ - پس از ذبح گوسفند پشم آن را  
هنگام دباغی پوستش ، بوسیله آهک جدا  
می‌کنند نوع اخیر را اصطلاحاً پشم مرده  
مینامند . پشم مرده معمولاً زبر و زمخت  
و انعطاف‌ناپذیر است و به سبب تأثیر مواد  
آهکی در مقابل رنگ هم مقاومت میکند،  
در نتیجه دیرتر و کمتر رنگ می‌گیرد.  
با وجود کارخانجات متعدد پشم‌ریسی  
در ایران که پشم مورد نیاز قالی‌باغان را  
به صورت کلاف آماده می‌کند ، در اکثر  
نقاط کرمان زنان خانه‌دار این مهم را بر عهده

داشت ، دستور داد همه کتابهای دینی و ادبی قدیم  
هند را به پارسی برگردانند. ابوالفضل صدراعظم  
وی کتاب اکبرنامه را در شرح حال و خدمات وی  
تالیف کرد و به دستور او کتاب مکملی به نام «آئین  
اکبری» در اوضاع جغرافیائی هند نگارش یافت.  
آرامگاه باشکوه وی در قریه سکندره واقع در  
جوار اکره است که به وسیله پسرش سلیم شاه جهانگیر  
برپا شده است (از قاموس الاعلام ترکی).

۵- راور یکی از مناطق قالی‌بافی استان کرمان  
است که در ۱۴۴ کیلومتری راه کرمان - مشهد واقع  
است و از نظر سیر تاریخی صنعت قالی‌بافی ارزش  
به‌سزائی دارد .

سلطنت کرد . (ناظم‌الاطبا)  
پادشاه هندوستان متولد سال ۹۴۹ ق متوفای  
سال ۱۰۱۴ ق از سلسله تیموریان هند. وی کشور خود  
رابیاری وزیرش ابوالفضل منظم کرد و توسعه  
بخشید و جلوس او میداء تاریخ اکبری است (از  
فرهنگ فارسی دکتر معین) .

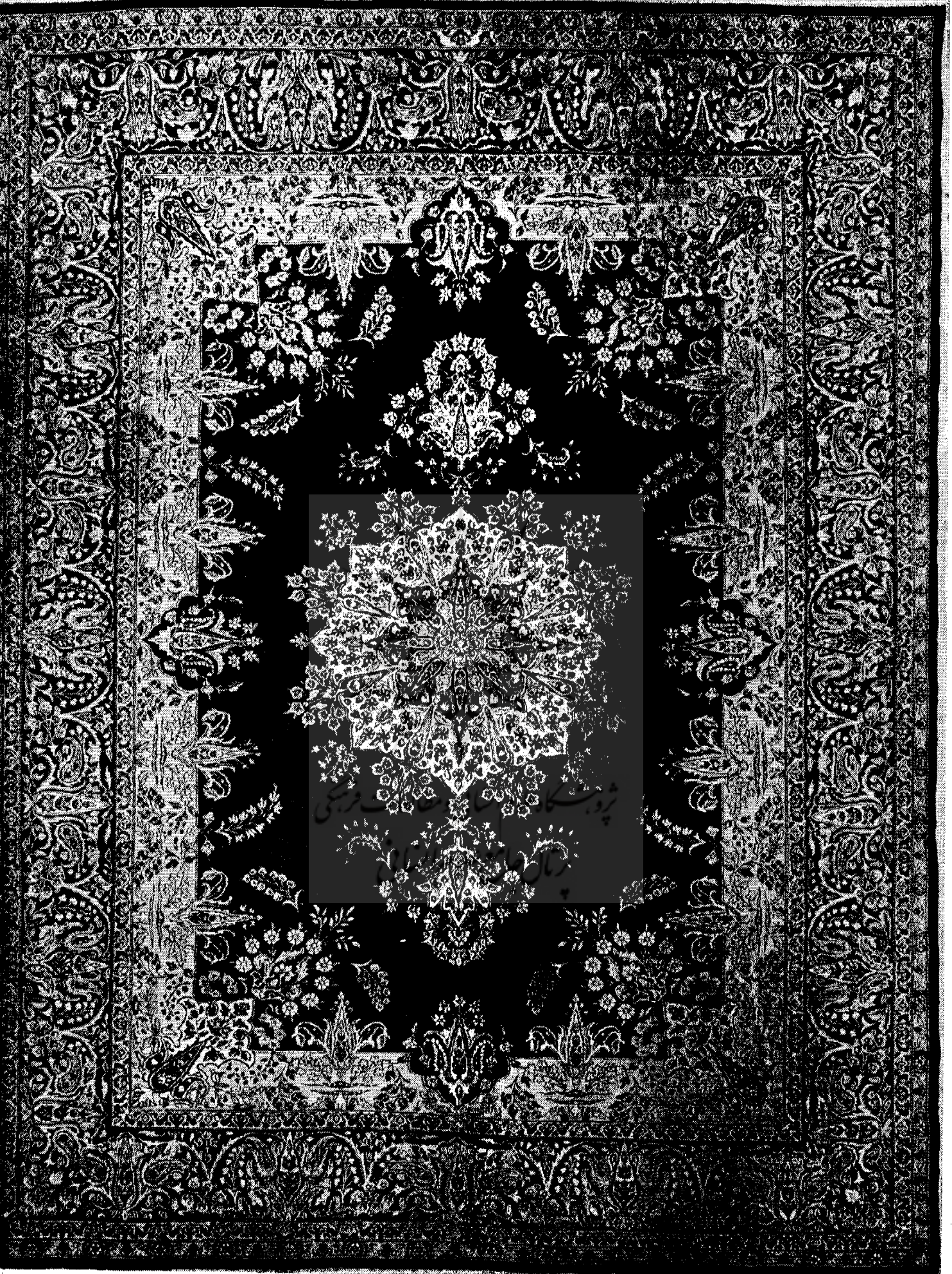
نوه بابر از نسل تیمور و پسرهای پادشاه بود،  
در چهارده‌سالگی به سلطنت هند رسید و لیاقت  
و درایت از خود نشان داد و ممالک گجرات ،  
بنگاله و کشمیر و سند را به تصرف درآورد و سلطنت  
بزرگی تشکیل داد و شهرها و آبادیهای بسیار  
بنیان نهاد . به زبان فارسی دلبستگی ویژه‌ای

۱ - صفحه ۳۵۹ جلد چهارم سیاحتنامه  
شاردن ترجمه محمدعباسی . سال ۱۳۳۶ .

۲- صفحه ۱۱۳  
Oriental rugs antique and modern  
Walter A. Hawley  
تالیف

۳- صفحه ۱۸۵  
Oriental rugs carpets and rugs  
Ian Bennett  
تالیف

۴- صفحه ۱۱۳ کتاب قالی‌ایران، تالیف  
م . ا . به آذین سال ۱۳۴۴  
\* - اکبر شاه‌هندی . جلال‌الدین اکبرشاه  
هندی پور هما یونشاه از ۹۶۳ تا ۱۰۱۴ ق در هندوستان



میگیرند و در خانه به پشم رسی میبرند از آنند. همانگونه که گفتیم بسبب موقعیت جغرافیائی و کیفیت خاص آب و هوا، پشم کرمان بسیار نرم و مرغوب است و به همین سبب کارخانه داران اصفهان خریدار عمده پشم کرمان هستند. ناگفته نماند که این کار باعث میشود قالی بافان کرمانی کمبود پشم مورد نیاز خود را باروی آوری به بازارهای پشم مشهد، سبزوار، کرمانشاه و گهگاه افغانستان جبران کنند. آنها در مواردی از تبریز نیز پشم و کلاف تأیید و وارد میکنند. ممکن است این سؤال پیش آید که آیا از ابریشم هم در قالی بافی استفاده میشود یا نه؟ باید بگوئیم که در زمان صفویان از ابریشم نیز برای بافتن قالی های ریز بافت استفاده میشد، ولی امروزه در کاشان، در موارد بسیار نادر (و بندرت در شهرهای دیگر) از ابریشم استفاده میشود.

#### تاروپود

تاروپود فرش کرمان نیز مانند سایر فرشها از پنبه است، چه پنبه در برابر کشش دار قالی مقاوم تر از پشم است و باعث نمی شود که تارها منعطف و در نتیجه شل شوند. پود قالی کرمان هم از پنبه است.

#### دستگاه قالی بافی

در کرمان از دستگاه گردان استفاده میشود. در این دستگاه تیرهای بالائی و پائینی به وسیله یک اهرم در جای خود میگردند، «تیرهای دستگاه از تنه تراشیده و صاف شده چنار است. یک میله چوبی و گاه آهنی از لای هر یک از دوسرچلهها میگذرد و بوسیله تسمه یا به طریق دیگر به تیر بالا یا پائین استوار میگردد. آنگاه تیر را میگردانند تا چلهها محکم کشیده شود به تدریج که کار بافتن قالی پیش میرود، آنرا دور تیر پائین میپیچند. امتیاز این دستگاه در این است که قالی را به هر طولی که خواسته باشند میتوان بافت و حال آنکه در دستگاه تبریزی حداکثر درازی قالی ناچار از دو برابر فاصله تیرها کمتر است.

از آن گذشته، در این دستگاه با چرخاندن تیرها به وسیله اهرم کشش تارها یکنواخت تر صورت میگیرد تا باگره. در نتیجه لبه یا (لواره) قالی راست تر از کار درمی آید. از ضامم هر دستگاه تیر یا میله ای است به نام هاف که تارها یک در میان به آن مربوط است. «هاف» یک جفت است و حرکت آنها به وسیله آلتی به نام کمان، به طور مکانیکی، مانند دستگاه پارچه بافی، انجام میگیرد و وقت کمتری صرف آن میشود. در کرمان برخلاف تمام نقاط قالی بافی، قالی سه پوده بافته میشود، در حالی که در نقاط دیگر معمولاً دو پود یا یک پود به کار میرود». در کنار دار قالی ابزاری هم مخصوص این فن وجود دارد، چاقوی بافندگی که گونه ای از چاقوی معمولی است و برای بریدن سر نخ به کار میرود. دیگر افزار شانه مانند ای است بنام «دفتین» که پس از بافتن شدن هر رج و گذراندن پود با آن بر لابلای تارها میکوبند تا پود به خوبی جای بگیرد. دفتین از تیغه های آهنی به پهنای دوسانت تشکیل میشود که یک سر آنها بهم چسبیده و مانند دسته شده است و سر دیگر آنها مانند شانه باز است و برای کوبیدن پود به کار میرود. در کرمان پس از آنکه با دفتین پودها را زدند، با لبه کند تیغه ای که از طرف تیز آن نخها را میبرند بر پودها میکوبند تا خوب جای بگیرند. مراض پرداخت کردن قالی نیز از ابزار بافندگی است که البته اشکال متفاوت دارد و برای چیدن سر ریشهها و پرداخت قالی به کار میرود. در کرمان قالی را پس از پیاده کردن از دستگاه پرداخت میدهند و این نیز یکی از ویژگی های فرش کرمان است.

۶- ص ۴۴ و ۴۵ کتاب قالی ایران تألیفم. ا. به آذین.